

نسخه‌های خطی و منابع تاریخی فارسی در کتابخانه‌های ترکیه

در گفت‌وگو با دکتر عثمان غازی اوزگودنلی

اشاره: دکتر عثمان غازی اوزگودنلی در ۱۹۷۳ در شهر قیصریه متولد شد. در سال ۱۹۹۴ با نوشتن رساله‌ای با عنوان «سلطان سنجر و قراختانیان: نبرد قتلوان (۵۳۶ ق.م)»، در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه مرمره فارغ التحصیل شد. در سال ۲۰۰۰ از رساله دکترای خود با عنوان «غازان خان و اصلاحاتش (۷۰۳-۶۹۴ ق.م)» دفاع نمود. وی در طول سال‌های تحصیل چندین بار برای یادگیری زبان فارسی و استفاده از منابع موجود در کتابخانه‌های ایران به کشور ماسفر کرده است. ایشان از سال ۲۰۰۱ میلادی در دانشکده ادبیات دانشگاه مرمره در بخش تاریخ میانه به عنوان استادیار مشغول به تدریس و تحقیق است. وی در سفری که در تابستان سال ۱۳۸۳ به ایران داشت در دفتر کتاب ماه تاریخ و جغرافیا حضور یافت و در گفت‌وگویی که آقایان جعفری مذهب، کاشانی، شیخ الحکمایی، تبریزیا، خلیفه و دکتر صالحی حضور داشتند، شرکت نمود. متن زیر حاصل این نشست است.

به جز نسخه‌های خطی فارسی، ما نسخه‌های خطی به زبان عربی نیز داریم که استفاده از آن‌ها برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادبیات فارسی حائز اهمیت می‌باشد. بیشتر این نسخه‌های خطی در محدوده جغرافیایی ایران نوشته شده است و با فرهنگ ایران ارتباط داشته‌اند. مثلاً ما نسخه‌هایی داریم که در شهرهای کوچک ایران نوشته شده است و یا وقف کتابخانه‌هایی بوده‌اند که آن‌ها به مرور زمان و در طول تاریخ از بین رفته‌اند. هم‌چون کتابخانه مدرسه نظامیه نیشابور یا کتابخانه اصفهان که الآن از بین رفته‌اند، ولی برخی از این نسخه‌های خطی متعلق به این کتابخانه‌ها بوده‌اند و به ترکیه منتقل شدند. به هر حال این نسخه‌های خطی که در ترکیه وجود دارد، از نظر زبان‌شناسی و برای شناخت تاریخ و فرهنگ ایران حائز اهمیت بسیاری هستند.

آقای جعفری مذهب: آیا می‌توان مسیر حرکت این نسخه‌ها را مشخص کرد و فهمید که چطور این نسخه‌ها به ترکیه رسیده‌اند؟
دکتر اوزگودنلی: البته روی این موضوع تا به حال خیلی کم کار شده است و نمی‌توان به آسانی به یک مسیر اشاره نمود و گفت که این نسخه‌ها از این طریق به عثمانی رسیده‌اند. در واقع هنوز پاسخ

آقای جعفری مذهب: لطفاً بفرمایید وضعیت نسخه‌های خطی فارسی در ترکیه چگونه است و چه تعداد از این نسخه‌ها فهرست‌نویسی شده و در اختیار محققان می‌باشد؟

دکتر اوزگودنلی: نسخه‌های خطی فارسی که در ترکیه موجود است در واقع بخشی از نسخه‌های خطی ترکیه می‌باشد و تعداد آن‌ها به پانزده هزار نسخه می‌رسد. در کتابخانه‌های دولتی ترکیه حدود ۲۵۰ هزار جلد نسخه خطی وجود دارد که با توجه به نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های خصوصی ترکیه، پیش‌بینی می‌شود که تعداد آن‌ها به ۵۰۰ یا ۶۰۰ هزار جلد برسد. این نسخه‌های خطی که در کتابخانه‌های ترکیه است متأسفانه تا به امروز خیلی مورد توجه نبودند و به آن‌ها رسیدگی نشده است و کار زیادی روی آن‌ها صورت نگرفته است. ولی از سال ۱۹۷۹ کتابخانه ملی ترکیه برنامه‌ای تهیه کرده است که به موجب آن از تمام این نسخه‌های خطی فهرست‌نویسی صورت می‌گیرد و تاکنون بیست و شش جلد فهرست تهیه شده که البته فهرست مشترک است و این تنها حدود هفت یا هشت درصد نسخه‌های موجود در ترکیه است.

وقتی سلطان سلیم اول
تبریز را اشغال کرد
تعدادی از نقاشان و
ناسخان را به استانبول
برد و این افراد در آن جا
به تربیت شاگردان
پرداختند و یک سبک
عثمانی - ایرانی در
نقاشی و خوشنویسی
پدید آمد



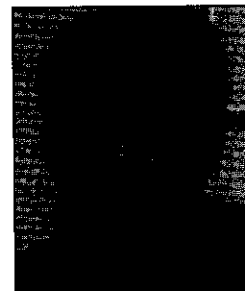
دکتر اوزگودنلی: برای بررسی و پاسخ به این سؤال نه تنها به جغرافیای ایران بلکه باید به جغرافیایی که عثمانی‌ها با آن مناطق ارتباط داشتند توجه کنیم. ما از روی اسناد به چنین چیزی برخوردیم؛ ولی راجع به جغرافیای سوریه و مصر چنین چیزی را از روی نسخه‌های خطی می‌توانیم ثابت کنیم. مثلاً به موجب اسناد موجود، وقتی سلیم اول وارد سوریه شد دستور دارد تا نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های سوریه جمع‌آوری و به استانبول منتقل شود. ما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که چنین اتفاقی در ایران هم رخ داده باشد. ما در موزه تویقایی سرای نوشته‌های زیادی از دربار آق‌قویونلوها، قراقویونلوها و صفویان داریم. این نشان می‌دهد که عثمانی‌ها آن‌ها را منتقل کرده‌اند. به جز صفویه، نسخه‌های خطی متعلق به آخرین پادشاه ممالیک نیز در آن جا موجود است. به نظر می‌رسد پس از این که عثمانی‌ها مصر را گرفتند کتاب‌هایی را که در دربار مملوکان بود به استانبول منتقل کرده‌اند. پس می‌توان نتیجه گرفت که بین فتوحات عثمانی و وجود نسخه‌های خطی در ترکیه و قلمرو عثمانی ارتباط وجود داشته است و این هم از نظر شاهان عثمانی و هم از نظر فرمانروایان و سربازان عثمانی بوده است.

آقای جعفری مذهب: آیا راجع به اسناد هم همین طور بوده است؟
دکتر اوزگودنلی: احتمالاً اسنادی که در موزه تویقایی سرای

حملات دولت عثمانی در طی قرون پانزدهم تا هجدهم میلادی یکی از راه‌های انتقال نسخه‌های خطی فارسی به قلمرو عثمانی بوده است

دادن به این سؤال زود است، چون هنوز تنها ده درصد نسخه‌های خطی ترکیه فهرست‌نویسی شده‌اند و از این طریق هم نمی‌توان به جواب درستی رسید. مثلاً مهرهایی که بر روی این نسخه‌های خطی وجود داشته را امروز نمی‌توان در این فهرست‌ها پیدا نمود. در نهایت برای پاسخ به این سؤال می‌توان به یکی از راه‌هایی که باعث انتقال این نسخه‌ها شده است اشاره نمود. این مربوط به قرن پانزدهم و شانزدهم تا قرن هجدهم میلادی می‌شود. فتوحات دولت عثمانی یکی از طرح‌های انتقال نسخه‌های خطی به قلمرو عثمانی بوده است. همان طور که می‌دانیم اواخر قرن ۱۵م. به بعد عثمانی بخشی از قلمرو آق‌قویونلوها را گرفته و با دولت صفویه جنگیده بود و شهرهایی چون تبریز و مراغه و... را تسخیر نموده بود. در اواخر قرن ۱۶ م. عثمانی اردبیل و همدان و در قرن ۱۸ م. خرم‌آباد و کرمانشاهان را نیز در اشغال داشت. احتمالاً این شهرها کتابخانه‌های بسیاری داشتند و ما نسخه‌های خطی داریم که در همین شهرها استنساخ شده‌اند و یا یک دوره در کتابخانه‌های همان شهرها قرار داشته‌اند.

آقای شیخ‌الحکمایی: به نظر شما آیا برنامه یا اندیشه‌ای از سوی دولت عثمانی برای انتقال این نسخه‌های خطی وجود داشته است یا خیر؟ یعنی این برنامه و تمدد بوده که همزمان با فتح یک منطقه این نسخه‌ها منتقل گردند.



دکتر اوزگودنلی:
احتمالاً اسنادی که در موزه توپقاپی سرای وجود دارد نیز از طریق فتوحات منتقل شده‌اند و شاید دولت عثمانی به آرشیو دولت آق قویونلو و یا صفویان دست پیدا کرده و آنها را به عثمانی برده است

وجود دارد نیز از همین طریق منتقل شده‌اند. شاید دولت عثمانی به آرشیو دولت آق قویونلوها و یا صفویان دست پیدا کرده و آنها را به عثمانی برده است.

آقای شیخ الحکمایی: با توجه به حجم عظیم آثاری که وجود دارد و با توجه به تغییرات زبانی که رخ داده است، آیا دولت ترکیه در سال‌های اخیر برای تربیت کسانی که بتوانند روی این نسخه‌ها و اسناد کار و تحقیق کنند برنامه‌ریزی نموده است و آیا مراکزی که به تاریخ قدیم عثمانی و آموزش زبان فارسی و عربی بپردازند بیشتر به منظور پژوهش ایجاد شده است و آیا می‌توان اطلاعاتی از مراکز ایران‌شناسی ترکیه به دست آورد یا خیر؟

دکتر اوزگودنلی: البته از اوایل جمهوری شدن ترکیه روی این نسخه‌های خطی تحقیق و پژوهش شروع شده است و ما سعی کردیم فهرست‌هایی مشترک از روی این نسخه‌های خطی تهیه کنیم. ولی برای فهرست‌برداری از این نسخه‌ها فهرست نویسان ما تاکنون با مشکلات زیادی روبرو بوده‌اند. در واقع تا به حال کار بزرگی هم انجام نشده است و برنامه‌ای که از ۱۹۷۹ شروع شده است به کندی پیش می‌رود. اگر ما نتوانیم کسی یا کسانی را برای ادامه کار روی این نسخه‌ها تربیت نماییم، این کار اصلاً پیش نمی‌رود و اگر بخواهیم از تمام نسخه‌های خطی موجود در ترکیه فهرست‌نویسی کنیم بیست یا سی سال زمان لازم است. یکی از مشکلات ما در این رابطه این است که در ترکیه تعداد کسانی که عربی، فارسی و ترکی قدیم را به خوبی بدانند بسیار کم است و ما حتی اگر زبان‌شناسان ماهری هم داشته باشیم، باز آن‌ها تا علم فهرست‌نویسی را فراموش کرده‌اند. خیلی مشکل‌گشا نخواهند بود. با این وجود ما تا به امروز دانشمندان بزرگی داشته‌ایم که به این کار پرداخته‌اند به عنوان مثال می‌توان به پروفسور احمد آتش و کاراتای اشاره نمود. این افراد تا به حال به طور جداگانه و هر یک به روش خود به این کار می‌پرداختند. ولی در حال حاضر یک طرح مشترک و بزرگ وجود دارد که باید براساس آن کار کرد. به هر حال در امر نسخه‌ها و فهرست‌نویسی آن‌ها ما دو مشکل داریم که یکی مشکل زبانی و دیگری مربوط به مشکلات فهرست‌نویسی است.

آقای جعفری مذهب: اگر روی این نسخه‌ها بررسی کنیم آیا به نظر شما می‌توان به نسخه‌هایی برخورد نمود که تاریخ کتابت آن‌ها مربوط به دوره پس از صفویه بوده باشد. چون اگر علت انتقال این نسخه‌ها را فتوحات عثمانی‌ها بدانیم باید تاریخ کتابت این نسخه‌ها مربوط به دوره آق قویونلوها، قراقویونلوها و صفویان و یا قبل از آن‌ها باشد. حال اگر نسخه‌هایی بیابیم که تاریخ کتابت آن‌ها مربوط به

پس از این دوره‌ها باشد، می‌فهمیم که باید به جست‌وجوی عوامل دیگری برای انتقال این نسخه‌ها باشیم. نظر شما در این مورد چیست؟ آیا چنین تحقیقی در عثمانی شده است و اگر شده آیا آماری از این نسخه‌ها در دست است؟

دکتر اوزگودنلی: این سؤال بسیار مهمی است. من به همراه یکی از دانشجویان روی نسخه‌های خطی فارسی که تاریخی هستند و در کتابخانه‌های استانبول وجود دارند کار کردم و به این نتیجه رسیدم که اولاً بیشتر این نسخه‌ها در قرن ۹ و ۱۰ و تعداد کمتری هم در قرن ۱۱ هـ. استنساخ شده‌اند و تعداد آن‌ها پس از قرن ۱۱ هـ. کمتر می‌شود و آن‌هایی که پس از قرن ۱۱ هـ. استنساخ شده‌اند، بیشتر در استانبول نوشته شده‌اند. ولی آن‌هایی که در قرون ۹ و ۱۰ هـ. نوشته شده‌اند بیشتر مربوط به قلمرو جغرافیایی ایران هستند.

و این یکی از دلایلی است که نسخه‌های خطی فارسی از طرف ایران به دولت عثمانی برده شده است.

آقای شیخ الحکمایی: بیشتر این استنساخ‌ها توسط علما صورت گرفته است یا کاتبان عثمانی؟

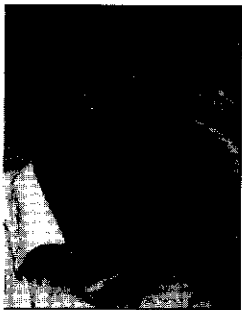
دکتر اوزگودنلی: بیشتر آن‌ها را کاتبان عثمانی نوشته‌اند، ولی در قرن ۱۹ م. نسخه‌هایی را داریم که توسط روشنفکران ایرانی که در استانبول بوده‌اند نوشته شده است.

آقای شیخ الحکمایی: آیا از طریق امضای نسخه‌های خطی می‌توان به مسئله مهاجرت علمای ایرانی به عثمانی در دوره صفویه با توجه به فضایی که در آن عصر ایجاد شد پرداخت و به این موضوع به عنوان یکی از عوامل انتقال نسخه‌ها توجه نمود و در ضمن فهمید که چه تعداد از علمای ایرانی در دوره صفوی به عثمانی رفتند؟

دکتر اوزگودنلی: پاسخ به این سؤال مهم زود است. ما قبل از صفویه نسخه‌هایی را داریم که مربوط به دولت تیموریان است و در قلمرو این دولت استنساخ شده است. به نظر من این‌ها قبل از این‌ها به عثمانی برسد، در این دولت و قلمرو آن بوده است و احتمالاً این‌ها در قلمرو صفویه وجود داشتند و سپس به یک طریقی به کتابخانه‌های عثمانی رسیدند. این کارها در قرون ۱۶ و ۱۷ و اوایل قرن ۱۸ م. صورت گرفته است.

آقای جعفری مذهب: آیا نسخه‌هایی که در استانبول کتابت شده است نسبت کاتب آن را هم نشان می‌دهد یا خیر؟ یعنی آیا می‌توان فهمید که چه تعداد از این کاتبان آناتولیایی، قونیوی و... بودند و چه تعداد از آن‌ها نسبت ایرانی داشتند؟

دکتر اوزگودنلی: از قرن ۱۰ هـ. نسخه‌هایی داریم که توسط کاتبان ایرانی که در قلمرو عثمانی بودند نوشته شده‌اند. می‌دانیم که سلیم اول وقتی تبریز را گرفت تعدادی از نقاشان و ناسخان را به



آقای کاشانی:

بیشتر کسانی که در دوره صفوی به عثمانی رفتند به علوم عقلی مثل نجوم، هندسه و ریاضی علاقه داشتند و از دانشمندان این عرصه‌ها بودند، ولی بیشتر کسانی که به هند رفتند به علوم نقلی مثل شعر و ادبیات گرایش داشتند و در آن جا مکتب‌های ادبی را ایجاد کردند

داشتند و در آن جا مکتب‌های ادبی را ایجاد کردند. به نظر شما علت این امر چیست؛ یعنی چرا بیشتر کسانی که به علوم عقلی گرایش داشتند به عثمانی رفتند نه به هند؟

دکتر اوزگودنلی: شاهان عثمانی از دوره سلطان محمد فاتح «دوم» به بعد اطلاعات بیشتری نسبت به علوم عقلی و هندسه و نجوم داشتند و سعی می‌کردند دانشمندان این علوم را در استانبول جمع کنند. مثلاً در مورد محمد دوم این امر به خوبی روشن است. تا اواخر قرن ۱۶ م. دربار عثمانی عمدتاً یک دربار ادبی بود و شاهان عثمانی بیشتر شاعران را تشویق می‌کردند و در این بین حتی شاعرانی نیز بودند که از شرق به استانبول آمده و در آن جا ساکن شده بودند. خود شاهان عثمانی از محمد دوم به بعد به ادبیات فارسی علاقه داشتند و برخی از آن‌ها حتی به فارسی شعر می‌گفتند. پس از قرن ۱۶ م. دولت عثمانی از نظر علمی دچار یک نوع عقب ماندگی شد و خود شاه عثمانی توسط ارتش عثمانی با توپ یک رصدخانه را تخریب نمود. ولی پس از قرن ۱۶ در قلمرو عثمانی زبان عثمانی به اوج خود می‌رسد و بیشتر آثار علمی و ادبی به زبان عثمانی نوشته می‌شود و زبان فارسی قدرت و نفوذ خود را از دست می‌دهد.

آقای جعفری مذهب: در دوره‌های مختلفی چون آق قویونلوها، قراقویونلوها، اواسط و اواخر صفویه و افشاریه که عثمانی مناطق غربی ایران را تصرف می‌کند، ظاهراً برای گرفتن مالیات سرشماری‌هایی انجام می‌شود. این سرشماری‌ها را در دفاتری ثبت می‌نمایند. آیا می‌توانید راجع به این دفاتر توضیحاتی ارائه نمایید؟

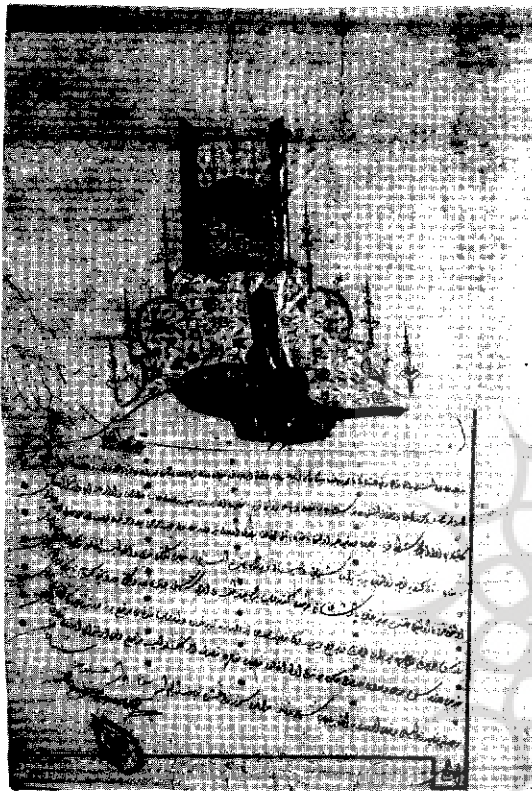
دکتر اوزگودنلی: دولت عثمانی برای مالیات یک نوع دفاتر سرشماری داشته است که به آن‌ها **دفاتر خاقانی**، یعنی دفاتری که به پادشاه مربوط بوده است، می‌گفتند و امروزه ما به آن‌ها **دفاتر تحریر** می‌گوییم. این دفاتر حاوی یک سری سرشماری‌های عمومی بوده که در آن‌ها تعداد خانه‌ها، نام صاحب و سرپرست خانواده، نام افراد مجرد و زنان بیوه را ثبت می‌کردند. این مطالب و برخی مطالب دیگر از نظر اقتصادی برای دولت حائز اهمیت بوده است. مثلاً ذکر اوقاف و مسائل مربوط به آن و یا اجاره زمین و... را از حدود اواسط قرن ۹ هـ. به بعد در این دفاتر ثبت می‌شده است. تعداد آن‌ها نیز به ۱۲۰۰ جلد می‌رسد. در اوایل قرن ۱۶ م. و اوایل ۱۷ و اوایل ۱۸ م. که عثمانی مرزهای نواحی غربی ایران را حمله نموده است، اقدام سرشماری در این مناطق کرده که این فقط یک سرشماری عمومی نبوده، بلکه یک دیدگاه عمومی هم در آن دخیل بوده است. این نشان دهنده آن است که دولت عثمانی خیال نداشته است به زودی آن مناطق را ترک کند. این ۱۳ دفتر برای شناخت سرزمین غرب و جنوب غربی ایران مهم



استانبول برد. این افراد در آن جا به تربیت شاگرد پرداختند و یک سبک عثمانی - ایرانی در نقاشی و خوشنویسی پدید آوردند. ولی از قرن ۱۷ م. به بعد کم‌کم می‌بینیم که تعداد مستنسخان عثمانی بیشتر می‌شود و از روی برخی نوشته‌هایی که آخر نسخه‌ها هست می‌توان جایی را که این نسخه‌ها در آن جا نوشته شده‌اند تعیین نمود. در قرن ۱۹ م. تعداد زیادی از ناسخان، ایرانیان ساکن در استانبول بودند. این افراد بیشتر روشنفکران ایرانی بودند که وقتی به استانبول آمدند، همراه خود کتاب‌هایی را آوردند و به استنساخ آن‌ها پرداختند.

آقای کاشانی: در تحقیقی که صورت گرفته مشخص شده است بسیاری از کسانی که در عصر صفوی به عثمانی رفتند بر اثر فشارهای مذهبی بوده که در دوره صفویه رخ داد. اکثر این افرادی که از ایران مهاجرت کردند، یا به عثمانی رفتند یا به هند. با این تفاوت که کسانی که به عثمانی رفتند بیشتر به علوم عقلی مثل نجوم، هندسه و ریاضی علاقه داشتند و از دانشمندان این عرصه‌ها بودند، ولی بیشتر کسانی که به هند رفتند به علوم نقلی مثل شعر و ادبیات گرایش

نمونه‌ای از اسناد نفیس آرشو عثمانی در نهاد نخست‌وزیری ترکیه



صفی بوده و نیز چند دفتر مالیاتی را بررسی نموده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که نویسندگان دولت عثمانی سبک خاص خود را به کار می‌برده‌اند. دیدگاه خاصی داشتند که متفاوت از سبک صریح‌الملک بوده است. در واقع سبک خاص کاتبان عثمانی حاوی دیدگاهی مالیاتی بوده و بر جاهای وقفی تأکید می‌شده است و آن‌ها را فهرست می‌کرده‌اند.

آقای شیخ الحکمایی: در اسناد ایرانی هنگام نوشتن اسامی اماکن جغرافیایی و نام اشخاص نقطه‌گذاری کمتر رعایت می‌شده است، آیا در نوشته‌های مربوط به قلمرو عثمانی این نقطه‌گذاری‌ها رعایت می‌شده یا خیر؟ به عنوان نمونه یکی از مشکلات صریح‌الملک همین نقطه‌گذاری است، چون اگر این کار به درستی صورت می‌گرفت از نظر جغرافیایی تاریخی می‌توانست بسیار مثمرتر باشد.

دکتر اوزگودنلی: البته نوشته‌های مربوط به قلمرو عثمانی با سیاق عثمانی نوشته شده است و خواندن برخی از آن‌ها کار بسیار مشکلی است. به هر حال این دفاتر نسبت به دفاتر قرون قبل یعنی ۱۵ و ۱۶ م. بهتر است، ولی متأسفانه چون با سیاق نوشته شده است نقطه‌گذاری و اعراب ندارد. البته کاتبان سعی کرده‌اند اسم‌ها را به

است، زیرا این مناطق چیزی حدود ۱/۳ مساحت ایران آن عصر را در بر می‌گرفته است. مناطقی که از اردبیل در شمال شروع می‌شده و به طرف جنوب به قزوین و ابهر و سپس به همدان و کرمانشاه و قسمتی از لرستان می‌رسیده و از آن جا تا اهواز و خوزستان امتداد می‌یافته است. در واقع از روی این دفاتر می‌توان اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن دوره را بهتر شناخت. به نظر می‌رسد دولت صفوی و دولت‌های قبل از آن نیز چنین دفاتری داشته‌اند که متأسفانه به دست ما نرسیده است. به هر حال چاپ این دفاتر موجود در عثمانی، از مهمترین کارها برای شناخت بهتر و بالارفتن سطح تحقیقات مربوط به دوره صفویه و قبل از آن است.

آقای جعفری مذهب: آیا خود شما راجع به این دفاتر تحقیق نموده‌اید یا خیر؟

دکتر اوزگودنلی: من روی تعدادی از این دفاتر کار کرده‌ام و فهرستی از آن‌ها تهیه نموده‌ام و به جز این دفاتری که ذکر نمودم، دفترهای جداگانه‌ای راجع به اوقاف و مقبره‌های شیخ صفی بوده است که من روی آن‌ها تحقیق نموده‌ام و به این نتیجه رسیدم که چاپ این دفاتر یک قدم مهم برای شناخت تاریخ ایران است.

آقای کاشانی: از این ۱۲۰۰ دفتر، چه تعداد آن مربوط به ایران است و شما روی چه تعداد از آن‌ها کار کردید؟

دکتر اوزگودنلی: این ۱۲۰۰ دفتر مربوط به قرون ۹ تا ۱۲ هـ. است و ۱۳ دفتر بزرگ که هر کدام ۷۰۰ تا ۹۰۰ برگ دارد، مربوط به جغرافیای ایران است. علاوه بر این ما دفاتر مختصری در اختیار داریم که نام کالاها و مناطق و نام سرداران و سربازان ارتش عثمانی و درآمد آن‌ها را نیز نوشته است و البته این به جز آن دفاتر مالیاتی است که راجع به آن‌ها صحبت نمودیم.

آقای شیخ الحکمایی: دفتر اوقاف اردبیل چیزی جدای از این دفاتر خاقانی است یا بخشی از آن است؟

دکتر اوزگودنلی: البته دفتر اوقاف اردبیل بخشی از آن دفاتر است و دولت عثمانی جاهایی را که وقفی بوده است در دفاتر جداگانه‌ای ذکر می‌کرده، ولی گاهی اوقات نیز زیر دفاتر مالیات جاهای وقفی را می‌نوشته است. در هر صورت دفتر اوقاف اردبیل حدود ۶۵ برگ است و هر چیزی که راجع به وقف شیخ صفی بوده، در آن ذکر شده است.

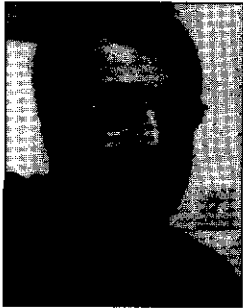
آقای شیخ الحکمایی: این تا چه حد به کتاب صریح‌الملک ارتباط دارد و آیا از این کتاب استفاده شده و یا به طور مستقل در آن زمان فهرست‌برداری و آمارگیری شده است؟

دکتر اوزگودنلی: البته هنوز روی این موضوع تحقیق دقیقی صورت نگرفته است. من بخشی از آن را که راجع به کتابخانه شیخ



آقای جعفری مذهب: اگر علت انتقال نسخه‌های خطی فارسی را حملات عثمانی بدانیم، باید تاریخ کتابت این نسخه‌ها مربوط به دوره آق‌قویونلوها، قراقویونلوها و صفویان و یا قبل از آن باشد. حال اگر نسخه‌هایی بیابیم که تاریخ کتابت آن‌ها مربوط به پس از این دوره‌ها باشد، می‌فهمیم که باید به جست‌وجوی عوامل دیگری برای انتقال این نسخه‌ها باشیم

نمونه‌ای از اسناد نفیس آرشیو عثمانی در نهاد نخست وزیری ترکیه



آقای شیخ الحکمایی:
در اسناد ایرانی هنگام
نوشتن اسامی اماکن
جغرافیایی و نام
اشخاص نقطه‌گذاری
کمتر رعایت می‌شده
است به عنوان نمونه
یکی از مشکلات صریح
الملک همین
نقطه‌گذاری است، چون
اگر این کار به درستی
صورت می‌گرفت از نظر
جغرافیای تاریخی
می‌توانست بسیار
مثمر‌تر باشد

ترکان تحقیق می‌کنند خود را بی‌نیاز از دانستن تاریخ ایران ندانند. پس از سقوط دولت عثمانی و ایجاد جمهوری در ترکیه، دیدگاه جدیدی راجع به تاریخ قبل از عثمانیان به وجود آمد. پیش از آن، تاریخ قبل از عثمانی هیچ‌گاه مورد توجه جدی نبوده است. در سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ ما سعی کردیم منابعی را که قبل از عثمانی برای شناخت دولت‌های غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی و... وجود داشته است را چاپ کنیم. به هر حال ایران‌شناسی در ترکیه به صورت یک رشته مستقل خیلی خوب رشد نکرده است، بلکه همواره بخشی از ترک‌شناسی بوده است. ما با یکدیگر تاریخ مشترک طولانی داشته‌ایم و هر منبعی که در ترکیه راجع به خوارزمشاهیان و غزنویان و... وجود دارد، اگر چاپ شود برای ایران‌شناسی نیز مهم است. از دیدگاه باستان‌شناسی، هم‌آن‌چه که راجع به قرون وسطای تاریخ ترکیه صورت بگیرد در روشن کردن قسمتی از تاریخ ایران نیز تأثیرگذار است. در سال‌های ۱۹۴۰ به بعد تعدادی از متون فارسی و عربی تاریخ ترکان و یا دولت قرون میانه ترکی به چاپ رسید و این در واقع شامل قسمتی از تاریخ ایران نیز می‌شود. در حال حاضر در چهار دانشگاه ترکیه به جز تاریخ‌شناسی، رشته‌های زبان‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی نیز دایر است که بر روی متون فارسی کار می‌کنند. این متون به تاریخ و جغرافیای ایران و سلاجقه روم نیز مربوط می‌شود که در شناخت روابط ایران و آسیای صغیر در قرون میانه مهم می‌باشد، چون در عصر سلاجقه روم فرهنگ و ادبیات فارسی نقش زیادی داشته است و اگر کسانی بخواهند درباره تاریخ ترکان در قرون میانه کار کنند، ناچار به یادگیری زبان فارسی هستند. تحقیقاتی که در ترکیه صورت می‌گیرد، چه از نظر نشر متون و چه از نظر تحقیقات جدید، تاریخ ترکان را نیز روشن‌تر می‌نماید.

خلیفه: از جمله منابع مطرح در مورد تاریخ آسیای صغیر در سده‌های پنجم و ششم هجری / یازدهم و دوازدهم میلادی منابع یونانی، ارمنی و سریانی می‌باشند. ارزش این کتاب‌ها برای تاریخ آناتولی قطعاً زیاد است، حال این سؤال مطرح است که ارزش منابع یونانی و سریانی قرون میانه برای تدوین تاریخ ایران تا چه حد است؟

دکتر اوزگودنلی: سلجوقیان آسیای صغیر را در اواخر قرن پنجم هـ. گرفتند. آن‌ها کم‌کم شروع به اسکان در این مناطق کردند و دولت سلجوقیان روم را ساختند که این دولت با روم شرقی یا بیزانس ارتباط داشت. در منابع یونانی راجع به سلاجقه اطلاعات زیادی وجود دارد. علاوه بر این راجع به کسانی که همراه سلجوقیان و مقیم آسیای صغیر بودند نیز اطلاعاتی وجود دارد. دولت سلاجقه دیدگاهی نظامی داشته



خوبی ذکر نمایند و حتی نام‌های قدیمی که هنوز کاربرد داشته را نیز آورده‌اند.

آقای شیخ الحکمایی: آیا سعی کرده‌اند در اسامی اماکن تغییراتی صورت دهند؟

دکتر اوزگودنلی: به نظر می‌رسد کاتبان هنوز با آن جغرافیا به خوبی آشنا نبوده‌اند و اسم‌های معروف را به شکل مرسوم می‌نوشتند و اگر اسم دهات و جاهای کوچک را می‌شنیدند، همان طور می‌نوشتند.

آقای شیخ الحکمایی: پس از اسناد مکتوب استفاده نمی‌کردند؟
دکتر اوزگودنلی: وقتی که عثمانی‌ها این مناطق را متصرف شدند، کاتبان همراه آن‌ها با آن مناطق ارتباطی نمی‌یافتند بلکه اسم آن مناطق را همان طور که می‌شنیدند می‌نوشتند.

آقای جعفری مذهب: تاریخ نویسی در ترکیه چه وضعیتی دارد و راجع به تاریخ ایران یا تاریخ مشترک ترکیه و ایران چه کارهایی صورت گرفته است؟

دکتر اوزگودنلی: ما با ایران یک دوره تاریخی مشترک و طولانی داریم که باعث می‌شود کسانی که روی تاریخ ایران کار می‌کنند درباره تاریخ ترکان نیز تحقیق نمایند و یا کسانی که راجع به

نمونه‌ای از اسناد نفیس آرشبو عثمانی در نهاد نخست وزیری ترکیه



زبان فارسی را تدریس می‌کنند و به طور جدی راجع به زبان فارسی کار می‌کنند. ولی ما در ایران کرسی زبان ترکی نداریم و این عدم آشنایی با زبان ترکی عثمانی و جدید از دلایل بی‌توجهی به متون و منابع موجود در ترکیه است. اگر متونی که توسط بنیاد تاریخ ترک منتشر شده، به فارسی ترجمه شود، به شناخت تاریخ ما کمک بسیاری خواهد کرد.

کاشانی: اوایل امسال یکی از دانشجویان ترکیه‌ای دانشگاه تهران که در دانشکده الهیات در رشته کتابداری لیسانس گرفته و به ترکیه برگشته بود قرارداد فهرستی از پایان نامه‌های دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ترکیه را در زمینه تحقیقات ایرانی انجام دهد.

همچنین اخیراً ترجمه ترکی گلستان به تاریخ ۷۵۵ هـ. بود و در هلدن به چاپ رسیده بود حال شما بفرمایید چه اطلاعاتی از قدیمی‌ترین

کتاب‌هایی که از فارسی به ترکی ترجمه شده‌اند وجود دارد؟

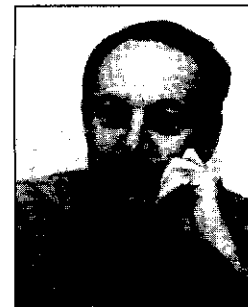
دکتر صالحی: یکی از استادان برجسته دانشگاه‌های ترکیه به نام بهاء‌الدین یدی یلدیز مقاله‌ای دارند که در آن کل کتاب‌هایی را که در ایران راجع به ترکیه نوشته شده و یا کارهایی را که در ترکیه راجع به ایران شده است را فهرست کرده‌اند. سپس نتیجه گرفته‌اند که

است، چون سلاجقه وقتی به آسیای صغیر آمدند به تنهایی یا به کمک قبایل ترک دیگر با بیزانس می‌جنگیدند. بنابراین منابع اطلاعات خود را بیشتر از طریق بازرگانان و یا کسانی که با سلجوقیان ارتباط داشتند دریافت می‌کردند و به همین دلیل گاهی اهمیت این منابع کم می‌شود. چون اخبار خود را به طور غیرمستقیم و با واسطه می‌گرفتند و این توسط تجار و مسافران بوده است. اما این منابع برای شناخت دولت سلجوقیان روم اهمیت دارند. اگر ما راجع به سلاجقه روم تحقیق کنیم در مورد فرهنگ ایران و کسانی که به آسیای صغیر مهاجرت کردند نیز مطالب زیادی به دست خواهیم آورد. بنابراین این منابع نه تنها برای تاریخ ایران، بلکه برای تاریخ سلجوقیان و شناخت تاریخ سلاجقه نیز مفید هستند. در بین سلجوقیان، ایرانیان زیادی نیز بودند که برخی از آن‌ها عناوین ایرانی داشتند.

دکتر صالحی: من سال گذشته کتابی از بنیاد تاریخ ترک در آنکارا تهیه کردم به نام وقایع نامه ماتنوس اورفه‌ای اثر یک مورخ ارمنی ساکن بیت المقدس این کتاب مربوط به تاریخ سلاجقه روم و برای شناخت تاریخ ایران در عهد سلجوقیان حائز اهمیت بسیار است. با این حال در ایران چندان شناخته نیست. نویسنده این اثر برای نوشتن تاریخ ترکان و ایرانیان در عهد سلجوقیان از منابعی بهره برده که این منابع بعدها از بین رفته‌اند. در واقع کتاب عصاره منابع قبل از خود است. دومورخ برجسته ترکیه این کتاب را به ترکی ترجمه کرده و در مقدمه راجع به ارزش آن به تفصیل توضیحاتی آورده‌اند. این کتاب تاکنون دو بار در ترکیه به چاپ رسیده، اما در ایران هنوز به فارسی ترجمه نشده و در پژوهش‌های مربوط به تاریخ سلجوقیان مورد توجه قرار نگرفته است.

دکتر اوژگودنلی: من این کتاب را به عنوان یکی از اولین کارهای انجمن تاریخ ترکیه دیدم و چاپ اول آن هم در سال ۱۹۴۸ یا ۱۹۵۰ بوده است. این کتاب برای شناخت مناطق جنوب آناتولی و ایران حاوی اطلاعات زیادی است و در مورد سلاجقه بزرگ اطلاعات بی‌نظیری در بر دارد. به غیر از این کتاب باید گفت که برای شناخت تاریخ ایران کتاب‌های بسیاری وجود دارد که باید ترجمه شود مثلاً میکائیل سریانی کتاب ارزنده‌ای راجع به تاریخ ایران دارد که ارزش ترجمه را دارد. مورخان ارمنی نیز کتاب‌های زیادی راجع به تاریخ ایران، به ویژه دوره مغولان دارند.

دکتر صالحی: متون و منابع تاریخی بسیاری از فارسی به ترکی ترجمه شده است، ولی از متون تاریخی ترک چیز زیادی به فارسی ترجمه نشده است. این امر دلایل متعددی دارد. عمده‌ترین آن‌ها آشنایی اندک اغلب محققان تاریخ ایران با زبان ترکی عثمانی و ترکی جدید است. در ترکیه چند دانشگاه بزرگ وجود دارد که تا مقطع دکترا



دکتر صالحی:
متون و منابع تاریخی بسیاری از فارسی به ترکی ترجمه شده است، ولی از متون تاریخی ترک چیز زیادی به فارسی ترجمه نشده است. این امر دلایل متعددی دارد. عمده‌ترین آن‌ها آشنایی اندک اغلب محققان تاریخ ایران با ترکی عثمانی و ترکی جدید است



آقای خلیفه:

از جمله منابع مطرح در
مورد تاریخ آسیای صغیر
در سده‌های پنجم و
ششم هجری / یازدهم
و دوازدهم میلادی منابع
یونانی، ارمنی و سریانی
می‌باشند

بود و من با یک پایان‌نامه‌ای برخورد کردم که راجع به تأثیر زبان و ادبیات فارسی در آسیای صغیر دوره سلجوقیان بود. اساس کار این دانشجو بیشتر به منابع ترکی بود.

کاشانی: همان‌طور که می‌دانید سفینه تبری مر بوط به قرن ۸ هـ. است و هنگامی که پیدا شد روی آن کارهای مختلفی صورت گرفت. یکی از این تحقیقاتی که راجع به آن شد مقایسه بین خلاقه الاشعاری بود که در سفینه آمده بود و نزهة المجالس شروانی، که این کتاب خیلی از مشکلات آن را حل کرد. مثلاً خیلی از اشعاری که مبهم بود با کمک سفینه تبری ز خوانده شد. آیا شما در سفینه تبری به نکته‌ای برخوردید که مربوط به تاریخ سلاجقه و آسیای صغیر باشد و هم‌چنین به موضوعاتی در رساله‌های تاریخی و ادبی آن برخورد کردید یا خیر؟

دکتر اوزگودنلی: تحقیقاتی که راجع به تاریخ ایران در ترکیه صورت گرفته بسیار مهم هستند ولی بیشتر از دو یا سه جلد نمی‌شوند. کار روی این موضوعات را یک نفر به تنهایی نمی‌تواند انجام دهد و اگر قرار باشد کار خوبی صورت بگیرد باید کار اشتراکی باشد که مستلزم زمان است. راجع به سفینه تبری باید بگویم من به منبعی برخورد نکردم که ربطی به سفینه تبری داشته باشد. در آسیای صغیر قبل از سقوط سلجوقیان یک دوره تاریکی وجود دارد که اواخر دوره ایلخانان است. ما راجع به سلجوقیان منابع خوبی چون آقسرای و سلجوقنامه مختصر را داریم. پس از آن‌ها تا اوایل قرن ۱۵ از لحاظ تاریخ‌نگاری کتاب‌های با ارزشی نداریم. البته باید توجه داشت که درهای بسیاری از کتابخانه‌های ترکیه هنوز باز نشده است و هنوز از آن‌ها فهرست برداری نشده است و ما نمی‌دانیم بین آنها از کدام شعرا اطلاعاتی وجود دارد. در قرن هشتم هـ. مجموعه‌ای از اشعار شعرای مختلف جمع‌آوری شده بود. این کتاب برای پسریکی از ملوک آسیای صغیر نوشته شده بود. به هر حال شاید بتوان در آینده به موردی برخورد کرد که با سفینه تبری برابری نماید یا ارتباط داشته باشد. من سال گذشته چند نمونه از اشعار طغرل سوم را پیدا کردم. ما در منابع مختلف تکه‌هایی از اشعار وی را داریم که ظاهراً از علاقه وی به زبان فارسی حکایت دارد و در جنگ آخر هنگام مرگ اشعاری از شاهنامه را می‌خوانده است. ما اشعاری داریم که در کتاب‌ها و تذکره‌های مختلف وجود دارد، ولی در سفینه تبری نیست. امیدواریم منابعی را بیابیم که برای روشن شدن سفینه تبری جز حائز اهمیت باشند.

آقای کاشانی: راجع به کتاب گلستان سعدی که در سال ۷۵۵ به ترکی ترجمه شده است شما اطلاعی دارید یا خیر و آیا قبل از آن هم کتابی به ترکی ترجمه شده است یا خیر؟
دکتر اوزگودنلی: خیر. کتاب‌های ادبی و ترجمه‌های ترکی



ایرانیان شناخت کمی از ترکان دارند، در حالی که در ترکیه راجع به تاریخ و فرهنگ ایران شناخت و اطلاعات زیادی وجود دارد. مثلاً عنوان می‌کنند که تاریخ مغول خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به ترکی ترجمه شده است، در حالی که در مقابل آن یک چنین متنی از ترکی به فارسی ترجمه نشده است. این‌ها بیانگر این نکته است که مورخان ایرانی نسبت به هم‌تایان خود در ترکیه کوشش کمتری به عمل آورده‌اند.

آقای کاشانی: چند سال قبل کتابی راجع به ایران‌شناسان ترکیه و منابعی که در ترکیه چاپ شده توسط آقای وهاب ولی و خانم الهامه مفتاح نوشته شد که در واقع یک نوع کتاب‌شناسی بود. ولی آیا چنین کاری روی متون توسط ترکان که با توجه به منابع ترکی احاطه بیشتری روی این موضوع داشتند صورت گرفته است یا خیر؟ در ضمن آن دانشجویی که من راجع به آن صحبت نمودم قرار است با توجه به مشترکات تاریخی زیادی که بین ترکیه و ایران وجود دارد، یک کتاب‌شناسی راجع به پایان‌نامه‌های تحصیلی فراهم نماید.

دکتر صالحی: اگر این کار توسط این دانشجو صورت بگیرد خیلی مفید خواهد بود. قبلاً مرحوم احمد آتش نیز چنین کاری را کرده

دکتر اوزگودنلی:

دولت عثمانی برای مالیات یک نوع دفاتر سرشماری داشته است که به آن‌ها دفاتر خاقانی، یعنی دفاتری که به پادشاه مربوط بوده است، می‌گفتند و امروزه ما به آن‌ها دفاتر تحریر می‌گوییم



دکتر اوزگودنلی: محققانی هستند که راجع به زبان و ادبیات فارسی فعالیت کرده‌اند و عده‌ای هم در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران تحقیق نموده‌اند. از دسته اول می‌توان به پروفیسور مهمت کانار استاد دانشگاه استانبول و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه اشاره کرد که ترجمه‌های بسیاری از ادبیات کلاسیک و نوین فارسی دارند و آثار با ارزشی را به ترکی ترجمه نموده‌اند. آقای پروفیسور دکتر میکائیل بایرام از دیگر بزرگان عرصه تحقیق در زمینه ادبیات فارسی، استاد دانشگاه سلجوق در قونیه هستند و روی ادبیات و تاریخ کلاسیک ایران فعالیت می‌کنند. ایشان راجع به تاریخ سلاجقه روم نیز تحقیقاتی انجام داده‌اند. آقای مرسل اوزترک که استاد زبان فارسی دانشکده تاریخ و جغرافیای دانشگاه آنکارا هستند راجع به برخی تاریخ‌های قرون میانه مثل تاریخ جهانگشاو بزم و رزم استرآبادی و دوره آق‌قویونلوها تحقیق نموده‌اند. آقای دکتر حاجبی کرلانگت تذکره شاه تهماسب را به ترکی ترجمه کردند. آقای دکتر دریا استاد دانشکده تاریخ دانشگاه آنکارا ترجمه‌های مختلفی از ادبیات کلاسیک و جدید ایران دارند. در زمینه تاریخ می‌توان به محققان و تاریخ‌شناسان مهمی که بیشتر روی سلجوقیان کار کرده‌اند مثل آقای دکتر اردوغان مرچیل استاد دانشگاه استانبول که روی تاریخ سلجوقیان بزرگ و کرمان یا سلغریان و غزنویان تحقیق کرده‌اند اشاره نمود. پروفیسور اسماعیل آکا از دانشگاه ازمیر درباره تاریخ تیموریان و آق‌قویونلوها به تحقیق مشغول هستند و تاریخنامه تاج السلمانی را به ترکی ترجمه کرده‌اند. تحقیقات ایشان بیشتر مربوط به دوره‌های تیموریان، آق‌قویونلوها و قراقویونلوها است.

زیادی در دست نیست. حتی کتابی درباره نسخه‌های خطی ترکیه در سراسر جهان نیز وجود ندارد. تا آن جاکه می‌دانیم از دوره سلطان مراد دوم و اواسط قرن ۱۵ م. به بعد ترجمه‌های مختلفی از گلستان سعدی صورت گرفت، ولی این ترجمه‌ها اغلب از دوره مراد دوم که همزمان با رشد زبان ترکی است شروع می‌شود. در این زمان ارزش زبان فارسی کم می‌شود و ترجمه‌های آثار فارسی از اواسط قرن ۱۵ به بعد بیشتر می‌شود.

آقای کاشانی: آیا ترجمه‌ای از مثنوی مولوی که هم عصر با خود مولوی باشد وجود دارد؟ با توجه به اینکه مولوی خودش در منطقه بوده و صاحب نفوذ زیادی نیز بوده است و شرح ترکی آن نیز موجود می‌باشد.

دکتر اوزگودنلی: از دوره مراد دوم که زبان ترکی قوی شد، ترجمه‌های مختلفی از ادبیا و عرفای ایرانی از فارسی و عربی به ترکی داریم. در این دوره گاهی ترجمه‌ها سه یا چهار بار تکرار می‌شده است. کتاب‌های زیادی داریم مثل شاهنامه که یکی از ترجمه‌های آن ترجمه منظوم بوده است. سعدی از شعرای مورد توجه می‌باشد، ولی مولوی صاحب نفوذ بیشتری است. در قرن بیستم یک محقق ترک به نام عبدالباقی گولپینارلی ترجمه بسیار با ارزشی از مثنوی به ترکی ارائه کرد. علاوه بر مثنوی، سایر آثار مولوی نیز ترجمه شده است. او یکی از بزرگترین شعرای قرون وسطی در آناتولی محسوب می‌شود. جوانان ترک اشعار وی را به ترکی می‌خوانند. هر سال جشنی برای مولوی برپا می‌شود و افراد زیادی برای زیارت سزاروی به آرامگاه او می‌آیند.

جعفری مذهب: محققانی که طی ده سال گذشته در ترکیه در عرصه تاریخ ایران فعالیت کرده‌اند چه کسانی بودند؟